

# عوامل بوجود آورنده برخوردهای نامطلوب دختران و پسران

## تحلیل تربیتی بر: روابط دختر و پسر در ایران

• قسمت هشتم • علی اصغر احمدی

• مقدمه •

در شماره قبیل شیوه‌های برخورد خانواده با نوجوان و مشکلات ناشی از برخوردهای نامطلوب خانواده با دختر و پسر از نظر آنان گذشت. اینک ادامه بحث:

آسیب پنهان کردن چنین مسائل ممکن است بسیار زیاده‌تر باشد. در دوره نوجوانی باید کمک کنیم تا نوجوان تا حد ممکن از تصورات تخیلی در مورد جنس مخالف اجتناب ورزد. این امر هر چند که بطور کامل امکان پذیر نیست اقامی توانیم با اعمال روشهایی از افراط در آن جلوگیری کنیم. از جمله روشهای موکد وجود جو گفت و شنود در خانه است. این جو باید در ادامه دوره دبستان در خانه وجود داشته باشد تا نوجوان نیز مسائل خود را در خانه مطرح کند و پدر و مادر نیز در اصلاح رفتار و افکارش راهنمایی لازم را ارائه دهند.

در این زمینه باید توجه داشت که طرح مسائل مربوط به غریزه جنسی می باید در حداقل ممکن صورت پذیرد. مطرح ساختن مسائل فردی در این زمینه با رعایت جوانب تربیتی ضروری است باید مسائل مربوط به عادت و احتلام قبل از پیدا شدن علائم اصلی به نوجوانان آموزش داده شود. دادن احساس بزرگی و بزرگ شدن به هنگام احتلام و یا عادت از نکات مهم و اساسی است. در کنار این، آموزش وظائفی چون به جای آوردن سجده شکر و نیز انجام غسل و به جای آوردن عبادات از مهمترین عناصری است که در این رابطه باید آموزش داده شود. در این مرحله آموزش مربوط به مسائل جنسی جنس مخالف بسیار مضربوده و موجب آشفته‌گی هر چه بیشتر شخصیتی نوجوان می شود آنانکه تحت تأثیر فرهنگ و آداب و سنن غرب سعی می کنند مسائل مربوط به روابط جنسی را به نوجوانان خرد آموزش بدهند، باید بدانند که فرزند خود را در مرحله ای که خود به حد کافی با مسائل عدیده شخصیتی روبروست، دچار آشفته‌گی و گاه انحراف می کنند.

آموزش مسائل کلی در مورد غریزه جنسی مانند نقش دو جنس در تولید مثل با استناد به مثالهای دقیق از گیاهان و یا مثالهای اجمالی در مورد حیوانات و انسان می تواند در اواخر دوران دبیرستان یعنی سن ۱۷ و ۱۸ انجام پذیرد. آموزش دقیق مسائل مربوط به روابط جنسی زن و مرد نیز باید به هنگام ازدواج انجام گیرد. به عنوان یک ضرورت اجتناب ناپذیر باید بر آموزش

در دوره دبستان، از آنجائیکه رفتارهای دختران و پسران جنبه ضدیت بخود می گیرد، بهتر است بگونه‌ای رفتار کنیم که این ضدیت از یکسو تشدید نشده و ریشه دار نگردد و از سوی دیگر نحوه سازگاری و کنار آمدن با آن را نیز فرزند انمان بخوبی بیاموزند. دوران دبستان دوران خوبی است برای آموزش نحوه رفتار با جنس مخالف هنگام بروز اختلاف. این آموزش آنها را آماده می کند تا در زندگی زناشویی نیز بتوانند از کنار اختلافات و تعارضات بخوبی بگذرند.

در این سنین گاه دختران و پسران از نحوه رفتار و برخورد یکدیگر شکایت می کنند در چنین مواردی ما نه تنها باید موجبات آرام کردن آنان را فراهم آوریم، بلکه می باید به آنان کمک کنیم تا راه رفع مشکل و اختلاف را نیز خود کشف کنند. اگر کودک در این مرحله بتواند پیدا کردن راه حل را تمرین کند، آمادگی خوبی برای حل اختلافات در زندگی زناشویی پیدا خواهد کرد.

در این مرحله باید رفتار مبتنی بر کرامت و گذشت و بزرگواری و در عین حال عدالتخواهی را در مقابل افراد غیر هم جنس به فرزند انمان بیاموزیم. گاهی اوقات دختران دبستانی در نزد پدر و یا مادر خود نحوه برخورد پسری با آنان در راه مدرسه و پاسخ دادن خود را نقل می کنند. اشتباه بزرگ در این موارد از آنجا آغاز می شود که پدر و یا مادر فوری و حساب نشده عکس العمل نشان داده و شروع به سرزنش دخترشان کنند. در چنین مواردی اگر دخترمان نیز رفتار اشتباهی از خود نشان داده بود، باید سعی کنیم او خود به اشتباه خود پی ببرد و به آرامی روش صحیح برخورد با پسران را در موارد مشابه به او گوشزد کنیم. رفتار تند و پرخاشگرانه اولین آسیب این است که فرزندمان از این پس مسائل این چنین را از ما پنهان خواهد کرد و

جنسی زوجهای جوان تاکید کرد. نهادهای ذریبط مانند وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می باید در مورد این آموزشها بعد از عقد اقدام کرده و کلاس هایی را برای زوجهای جوان تشکیل دهد و جزئی ترین مسائل را در این کلاسها به آنان آموزش دهند.

عدم توجه به آموزشهایی که در هر یک از مراحل پیش دبستانی، دبستانی و راهنمایی و متوسطه، توصیه شده، موجب اخذ آموزش از طرق غیر مطلوب و نیز خیالپردازیهای نادرست توسط نوجوان می شود. این امر خود منجر به این می شود که نوجوان شناخت نادرستی را از جنس مخالف در ذهن می پروراند. آنچه که در ذهن نوجوانان ما در مورد جنس مخالف امروزه وجود دارد، در طیفی بسیار گسترده جای دارد. در یک سر این طیف افکاری وجود دارد که از جنس مخالف یک الهه ترسیم می کند و در سر دیگر این طیف جنس مخالف را در پایین ترین و حیوانی ترین شکل خود ترسیم می کند. ویژگی صورتی که جنس مخالف را یک الهه ترسیم می کند این است که وی را مهربان، کامل، ملجأ و پناه، آرام بخش همه دردها، پایان همه رنجها، بهشت موعود و بالأخره کمال سعادت و خوشبختی می داند. نقطه مقابل این تصور، جنس مخالف را به صورت وسیله ای محض برای اطفاء غریزه جنسی می داند. این گروه وقتی جنس مخالف را تصور می کنند چیزی جز رابطه جنسی را در ذهن مجسم نمی کنند. در میان این دو حد انواع تصورات و تفکرات در مورد جنس مخالف دیده می شود. مریبان و اولیا وظیفه دارند در مورد شکل گیری درست این تصورات و تفکرات اقدام کنند و در هر مرحله از سن متناسب با ویژگیها و نیازهای تربی در زمینه آموزش جنسی به معنای عام کلمه مطالبی را به آنان بیاموزند. سکوت کردن در این مورد و چیزی نگفتن نه تنها سودمند نیست، بلکه می تواند بسیار مضر باشد.

ج - القاء افراط در رفتار اجتماعی و برخورد با جنس مخالف.

یکی از دلایل وجود برخوردها و روابط نامطلوب بین دختران و پسران، القاء افراط در روابط اجتماعی بین دو جنس است. برخی از خانواده ها به اشکال و دلایل گوناگون به فرزندان خود القا می کنند که با دیگران از جمله با جنس مخالف رفتاری گرم، اجتماعی و دلپسند داشته باشند. القاء چنین مطلبی ضرورتاً به صورت توصیه زبانی نمی باید انجام بگیرد. بسیاری مواقع رفتار پدر و مادر تشویق کننده چنین رفتاری است. آنها در رفتارهای عینی خود به گونه ای عمل می کنند که افراط در معاشرت را به فرزندان نشان تلقین می کنند.

یکی از اشکال این القا در خانواده هایی دیده می شود که به دلیل رشد سریع اقتصادی خود و افزایش نامناسب درآمد

خانواده، تلاش می کنند سطح اجتماعی و فرهنگی خود را نیز رشد داده و خود را در زمره خانواده های به اصطلاح سطح بالای اجتماع در آورند. چنین خانواده هایی بدون کسب مقدمات لازم فرهنگی و با تصور این مطلب که رشد اجتماعی نیز می تواند به سهولت درآمدهای کاذب رشد کند، دست به اعمالی می زنند که مشکل آفرین بوده و برای خود و نظام اجتماعی ناهنجاریهایی را به ارمغان می آورد. یکی از این اعمال، توصیه به فرزندان نشان برای انجام «رفتارهای به اصطلاح اجتماعی» است. این خانواده ها به دختران و پسران خود توصیه هایی خاص می کنند تا به ظاهر آنها را اجتماعی کنند. برگزاری میهمانی هایی که در آن انواع تدابیر لازم برای تقرب به مقام شامخ شأن و مقام اجتماعی انجام پذیرفته است، یکی از شیوه های رایج در بین این قشر است. پوشیدن لباسهای رنگارنگ و گرانیقیمت، مختلط شدن دختران و پسران جوان، رقصیدن دختران با پسران و انجام کارهایی از این قبیل همگی به منظور تحقق کاذب شأن اجتماعی صورت می گیرد. خانواده هایی که دارای هویت اجتماعی روشنی هستند و برای روابط اجتماعی خود حدودی مشخص و تعریف شده قائلند، دست به چنین افراطهایی نمی زنند.

یکی دیگر از اشکال افراط در روابط اجتماعی از طرف خانواده ها و بخصوص مادرانی صورت می گیرد که هم به لحاظ اقتصادی و هم به لحاظ فرهنگی از سطح پایینی برخوردارند به عبارت دیگر فقر فرهنگی و اقتصادی توأمأ برای آنها مشکل آفرینی می کند. چنین خانواده هایی به منظور پیدا کردن شوهر برای دخترانشان، به آنها القا می کنند که رفتاری تحریک کننده و جالب توجه از خود نشان دهند. آنها از این طریق از یک طرف تلاش می کنند مخارج دختر را از عهده خویش ساقط کنند و از طرف دیگر منبع مفروضی را نیز از طریق داماد به منابع اقتصادی محدود و ناچیز خود اضافه کنند. چنین خانواده هایی دختران خود را پیش از موعد و ادار به ترک تحصیل می کنند و گاه خود شرایط هم صحبتی آنان را با افراد غیر فراهم می آورند. شدت فقر فرهنگی و اقتصادی این قبیل خانواده ها، ممکن است منجر به ابتلا به اعتیاد و به بهره دهی دختر و حتی پسران کوچک خانواده شود.

د - القاء خودنمایی از طرف والدین

خودنمایی به عنوان یک رفتار همگانی در سطوح خاصی از رشد شخصیت انسان به شکل طبیعی دیده می شود. بسیاری از انسانها به منظور جلب توجه سایرین اقدام به خودنمایی می کنند. این خودنمایی می تواند ابعاد گوناگونی داشته باشد. نمایش آثار هنری خود، نشان دادن عملکرد مثبت درسی و

**\* آنان که تحت تأثیر فرهنگ و آداب و سنن غرب سعی می کنند مسائل مربوط به روابط جنسی را به نوجوانان خود آموزش بدهند، باید بدانند که فرزند خود را در مرحله ای که خود به حد کافی با مسائل عدیده شخصیتی روبروست، دچار آشفتگی و گاه انحراف می کنند.**

**\* خودنمایی به عنوان یک رفتار همگانی در سطوح خاصی از رشد شخصیت انسان به شکل طبیعی دیده می شود. بسیاری از انسانها به منظور جلب توجه سایرین اقدام به خودنمایی می کنند.**

برای رشد بالاتر و والاتر شخصیت. مراکز تربیتی، مدارس، کانونهای پرورشی و مراکز فرهنگی، علمی و هنری می باید به این نکته توجه داشته باشند. باید سعی کنند دانش آموزانی را که احساس می کنند در معرض استفاده از بدن و رفتار خود برای خود نمایی هستند با توجه بیشتر و صرف وقت، استعداد های آنها را به خودشان بنمایانند و شرایط را برای شکوفائی استعداد های سازنده آنان فراهم آورند.

در جلسات مربوط به آموزش خانواده های می باید به این نکته تأکید شود که هر چند ممکن است انسان از طریق خودنمایی بدنی و نمایش رفتارهای تحریک کننده، توجه عده ای را به سرعت به خود جلب کند، لیکن باید بدانیم که این عده از جمله کسانی هستند که تا وقتی ما به آنها بهره می دهیم با ما هستند ولی به محض اینکه احساس کنند ما توان بهره دهی را از دست داده ایم به بدترین وضع ما را رها کرده و ترکمان می کنند. در تحقیقی که در نیواورلئان آمریکا در مورد خود کشی انجام گرفته است مشخص شده که ویژگی مهم عده زیادی از آنهایی که دست به خود کشی زده اند این است که پس از برقراری ارتباط با مردان و بچه دار شدن، نتوانسته اند همسری را برای خود داشته باشند. اینان تا نتوانسته اند از بدن خود به سایرین بهره داده اند به این امید که شاید کسی نیز حاضر باشد در غمها و شادیهای آنها شریک باشد ولی نتوانسته اند به این مقصود نایل شوند. ما پیش از آنکه فردی این چنین مورد بهره دهی قرار گیرد می باید شرایط را برای بروز استعداد های سازنده او فراهم آوریم و این خطر خانواده هائی را که دچار فقر فرهنگی هستند تهدید می کند. در صورتیکه فقر فرهنگی با فقر اقتصادی توأم شود، این مشکل به شکلی مضاعف خودنمایی خواهد کرد. □

تحصیلی، نشان دادن محصول کار تولید و بسیاری موارد دیگر، انواعی از نمایش خویشتن به دیگران به منظور جلب توجه است. نمایش این گونه ویژگیها به عنوان ویژگیهایی که از یک سونیا طبیعی انسان را به جلب توجه دیگران ارضا می کند و از سوی دیگر موجب رشد و تعالی اجتماعی می شود، بسیار سودمند و سازنده است. ولی نمایش بدن خود به نامحرم و نیز نشان دادن رفتارهای تحریک کننده غرائز سایرین، آثاری مخرب برای فرد و جامعه بر جای می گذارد.

خانواده ها می باید به این نیاز طبیعی فرزندشان توجه کنند و سعی کنند شرایط را به گونه ای فراهم کنند که فرزندان آنها بتوانند آثار سازنده ای از خود را به دیگران نشان داده و از این طریق جلب توجه کنند. در صورتی که این شرایط به خوبی فراهم شود، فرزندان ما با پشت سر گذاشتن مراحل رشد شخصیتی خویش به جایی خواهند رسید که جلب توجه سایرین نیز برای آنها انگیزه ای رضایت بخش نخواهد بود. انسان با طی کردن مراحل تحولی خود به نقطه ای می رسد که در آن انجام کار درست و تحقق استعداد های خود و سایرین برایش فی نفسه مطلوب خواهد شد. در چنین سطحی فرد دیگر توجهی به توجه و یا عدم توجه سایرین ندارد، بلکه کار از آن جهت که خوب و مفید و سازنده است انجام می دهد، هر چند که سایرین نیز او را سرزنش کنند.

برای تربیت نسلی سازنده می باید به این عناصر به حد کافی توجه داشته باشیم. به خانواده هایی که به لحاظ فقر فرهنگی و به تصور دریافت بهایی ناچیز، سرمایه های بدنی خود را به بازار چشمها می برند، گوشزد کنیم که انسان می تواند و این قابلیت را دارد که در عین حفظ حریم پاک و شرافت خود، با نشان دادن هنر و صنعت و پیشرفت خویش به دیگران، توجه آنان را به خود جلب کند. جلب توجه از این طریق می تواند مقدمه ای باشد

**\* انسان با طی کردن مراحل تحولی خود به نقطه ای می رسد که در آن انجام کار درست و تحقق استعداد های خود و سایرین برایش فی نفسه مطلوب خواهد شد. در چنین سطحی فرد دیگر توجهی به توجه و یا عدم توجه سایرین ندارد، بلکه کار از آن جهت که خوب و مفید و سازنده است انجام می دهد، هر چند که سایرین نیز او را سرزنش کنند.**